



## گفتگوی یادآورانه با «سنگری» کارگردان و نویسنده

# دورود زیر ساخت های تلویزیون باید فکری اساسی شود

بقیه از صفحه اول

اما با این سینما در این سالها چگونه رفتار شده و چگونه مدیریت شده و در حال حاضر ما با چه سینمایی مواجهیم؟ بله، انتقادات زیادی وارد است بر این پیکره

ما با سیستمی مواجهیم که بخش غالب فیلمسازی، متاسفانه در ارتباط بین صاحبان سالن و سرمایه گذاران شکل می گیرد و در کوتاه مدت این رویه ممکن است برای تعدادی از همکاران سودآور باشد و تعدادی از دفاتر بخش با وضعیت مناسب تری مواجه شوند، اما این روند، دارای منافع مقطعی و فردی است. در یک مقطع، برای بعضی از افراد.

این نکته ای است که تصور می کنم طرح و برنامه ای برایش وجود ندارد. متاسفانه رفتار ما در سینما شبیه رفتار کشاورزان شده است؛ یعنی اگر کشاورزی سبب زمینی کاشته و محصول خوبی داشته، دیگر کشاورزان هم فکر می کنند که باید کشت سبب زمینی داشته باشند تا به نتیجه مطلوب برسند. اگر کمی عمیق تر به سینما نگاه شود، فیلم های پر فروش تقریباً همین کارکرد را دارند که در سینمای ایران غالب این فیلم ها ماندگار هم نیستند.



کارکرد فست فود را برای مردم داشته اند. آمده اند، نگاه کرده اند و در ضمیرشان پس از چند روز، هیچ اثری از آن فیلم باقی نمانده است. اگر به فیلم های دیگر کشورها خصوصاً آمریکا نگاهی داشته باشیم، می بینیم که بخش قابل توجهی از فیلم های پر فروش آنها ماندگار بوده اند؛ به دلیل اینکه ساختار فیلم، نقش سازندگی شخصیتی و ملی داشته است.

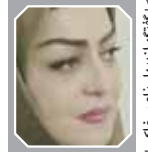
**\* آقای دکتر حسنی روحانی، چندی پیش گفتند که همه نهادها و ارکان نظام باید پاسخگویی ملت باشند. شما تا چه اندازه این مسئله را مد نظر دارید؟ آیا فکر می کنید رسالت شخصی که در حوزه های هنری متعددی فعالیت داشته را توانسته اید ایفا کنید؟**

— این جمله آقای رئیس جمهور، جمله ای بسیار درست و متین است که البته کارکرد جهانی دارد. جوامع پیشرفته، جوامعی هستند که به میزان زیادی همه آحادش پاسخگو هستند. مسئولین نسبت به مردم، مردم به دولت و حتی هر خانواده در درون خودش. زمانی که این پاسخگویی درست شکل بگیرد، می شود گفت که آن جامعه، جامعه پیشرفته ای است.

اما حالا این سؤال پیش می آید که ما با چه جامعه ای مواجهیم؟ این را فراموش نکنیم که زیر ساخت های این پاسخگویی باید از درون دولت و به درستی شکل گیرد. آیا ما با دولت پاسخگویی مواجهیم؟ البته من فکر می کنم دولت آقای روحانی، نسبت به دولت پیش از خودش پاسخگوست. نباید انصاف را نادیده گرفت. اما آیا این مسئله غالب بر عملکرد دولت است؟ در بسیاری از زمینه ها این پاسخگویی وجود ندارد. خصوصاً در حوزه اقتصاد، ما با یک بلا تکلیفی و ندانم کاری عجیبی مواجهیم.

اصل جمله آقای روحانی درست است. منتهی این فرهنگ باید از درون دولت شکل گیرد تا در درون نهادها و آحاد جامعه گسترش یابد. بله، در سینما و به نحو چشمگیری در تلویزیون، بسیاری از اوقات پاسخگویی وجود ندارد که باید زمینه هایش به وجود آید و تقویت شود. زمانی که ما بخش قابل توجهی از کارکرد سینما و تلویزیون را می گیریم و رابطه اش را با مردم دچار اختلال می کنیم، دیگر نمی توانیم به راحتی از شفاییت و پاسخگویی سخنی به میان آوریم. در حال حاضر، تلویزیون در کجای زندگی مردم به واقع حضور دارد؟ این که می گویند در برنامه ۲۰:۳۰ به این موضوع یا آن موضوع پرداخته ایم، آن را فراموش کنید. چون در آن گرایش های سیاسی هم لحاظ شده و کارکرد اصلی در مورد موضوع از دست رفته است. تا چه اندازه سریال ها و فیلم ها می توانند به موضوعات و معضلات بپردازند؟ به طور مثال، اگر بخواهم به موضوع اختلاس ها به عنوان یک مشکل جدی در یک اثر بپردازم، تا چه اندازه می توانم؟ چقدر دچار ممیزی می شود؟ و آیا اساساً می شود به این موضوعات پرداخت؟ گاهی در مورد طرح یک فیلمنامه با مسئول مربوطه صحبت می کنیم و او استقبال می کند. در میانه راه یا پایان می بینیم که کرسی آن مدیر مسئول به شخص دیگری واگذار شد و شخصی که در آن جایگاه نشست می گوید: امکان بخش این اثر وجود ندارد.

سینما که به نظر من جنبه واکنشی دارد؛ یعنی به جای طرح مسئله، واکنش نشان می دهد که این به حوزه فرهنگ سینما برمی گردد. بازتاب بخش قابل توجهی از محافظه کاری مدیران در وزارت فرهنگ و ارشاد است که در وجود



نگارنده: زینب ناصر حاجی

سازنده های بینیم، تهیه کننده های ترسند سرمایه گذاری کنند و بازگشت سرمایه وجود نداشته باشند. بنابراین محافظه کاری گسترش می یابد و یک فیلمنامه نویس، زمان گرفتن قلم در دست، به اجبار باید ممیزی ها را لحاظ کند و همین امر دلیل یک غالب بودن فیلم ها و سریال ها در ۵ یا ۱۰ موضوع مشخص و دیکته شده است و زمینه آگاهی دادن و آموزش از بین می رود. ما در مجموع ۵ سازنده جسور نداریم که بایستند و دفاع کنند. از به تصویر کشیدن حتی یک معضل اجتماعی.

**\* آیا فکر می کنید تصور سینمایی سینماگرانمان، به روز است؟**

— بنا به دلایلی که ذکر شد، خیر. ما در کانون کارگردانان خانه سینما حدود ۳۰۰ عضو داریم که اگر نگاهی به فهرست داشته باشیم، حدود ۲۰۰ تن؛ سالهاست که اثری ارائه نکرده اند. از ۱۰۰ کارگردانی که کار می کنند، تقریباً هر سه یا چهار سال یک اثر می بینیم. تعداد معدودی از کارگردانان هر ۲ سال یک خروجی اثر دارند. به همین خاطر، ما به این تئوری می رسمیم که بخشی از کارگردانان به روز نشده اند و حذف می شوند. بخشی از آن، فرا گرفتن تکنولوژی است، یعنی تسلط به ابزار مدرن.

نکته دوم به روز شدن در حوزه های مختلف نظریه پردازی و معرفتی است که مسائل مطرح امروز جامعه ماست. ابعاد وسیع روان شناختی جامعه را در نظر داشته باشند و این که چگونه باید مطرح شود تا مخاطبانی که در شبکه های اجتماعی، با فضای گسترده ای در ارتباط هستند را جذب کنند و در عین حال به نکات آموزشی و آگاهی نیز توجه شود. اینها نکاتی است که عده ای از آن غافل اند و از سپهر کارگردانی حذف می شوند. همکاران مان گاهی گله دارند و می گویند دیگرانی که کار می کنند از رانت استفاده می کنند. در صورتی که بخشی از کارگرها به موضوع رانت برمی گردد و بخش دیگر بحث به روز شدن دیدگاه ها و تسلط بر تکنولوژی است.

**\* چرا برای دولت فعلی، فرهنگ سازی از طریق سینما موضوعی استراتژیک نیست؟ آیا نباید کلان تر به بازتاب سینما بر روی معضلات اجتماعی نگریم؟**

— رئیس جمهور قبلی آقای احمدی نژاد، از ابتداهم داعیه ای نداشت که در حوزه فرهنگ صاحب نظر است و حرفی برای گفتن دارند. البته به مرور متوجه شد که که بحث فرهنگ بسیار مهم است، اما در عین حال نگاه کاربردی نداشت به این موضوع. تمام ارتباطشان در مواجهه با هنرمندان خلاصه می شد به توزیع کوپن!



آقای روحانی باشعار فرهنگی و ارتباط گسترده شان با هنرمندان و تصمیم به توسعه این رابطه وارد دولت یازدهم شد. این ارتباط وسیع از طرف آقای روحانی، به نظر من تنها به برپایی چند افطاری و گفتگویی میان ایشان و هنرمندان منتهی شد، که از قضا در مصاحبه ای گفته بودم که آقای روحانی مانند رؤسای صنوف با ما سخن می گویند؛ یعنی اگر فرضاً من رئیس خانه سینما هستم و سؤالاتی دارم، ایشان هم می آیند و طرح مسئله می کنند. فرض مثال می گویند: جایگاه سینما و هنرمندان بسیار بالاست. چرا نباید نگاهی کاربردی تر به این حوزه داشته باشیم؟... ما باید طرح مسئله کنیم و شما باید پاسخگویی کلامی و عملی به موضوعات مطرح شده داشته باشید آقای رئیس جمهور!

به نظر من نگاه دولت های یازدهم و دوازدهم به سینما و حوزه فرهنگ، بسیار تئوریک است. وی در مورد علاقه مندی شان به استاد شجریان، داد سخن دارند و چنان در مورد استاد سخن می گویند که ما باید به این نتیجه برسیم که با رئیس جمهوری علاقه مند به حوزه هنر مواجهیم و زمانی که با یک فیلمساز عکس می گیرند، ما باید عمیق تر ایسن مطلب را درک کنیم؛ اما نتیجه نهایی چیست؟ آیا استاد شجریان توانسته اند در چندین سال گذشته، حتی پیش از بیماریشان فعالیت داشته باشند؟

در حوزه سینما هم با عرصه های کاربردی جدیدی مواجه نشدیم. تعداد فیلم های توقیفی یا فیلم هایی که به هزار و یک ممیزی درگیر شد، همچون دولت قبلی بود و از این ابزار، دولت آقای روحانی هم هیچ استفاده ای نکردند. البته در مصاحبه ای به این موضوع اشاره کردم که وزارت فرهنگ و ارشاد این دولت سعی کرد تا ارتباط دوستانه ای با حوزه فرهنگ و هنر داشته باشد که این قابل توجه است، اما این چقدر تبدیل به فعالیت و خرسندی شد؟ عملاً باید گفت که یک هیچ بزرگ!

ادامه دارد

خطرات اجتماعی استاد امین الله رشیدی در عرصه آواز و موسیقی

## یک عمر خاطره

۱۰۰

### خوفناک

البته وقتی که در این عصر و زمان، بهای یک متر ساختمان روی هوا یعنی آپارتمان، از یک تا پنج میلیون تومان شده، آموختن موسیقی هم خرج دارد.

مادر بنده در اول ورود به تهران - سال ۱۳۲۵ - با پول خانه و اثاثیه ای که در کاشان فروخته بود، یک باب خانه ۲ طبقه در بستان به انضمام یک دکان وصل به آن واقع در کوچه سالار اعظم خیابان نواب در جنوب غرب تهران، به مبلغ سه هزار و ششصد تومان خرید که امروزه، بهای نیم کیلو گوشت لخم نه، که گوشت با پوست و پی و استخوان گوسفند است که تنها خوراک آبگوشت یک خانواده سه نفری را تأمین می کند!

... (عجب، ما از موسیقی شروع کردیم و رسیدیم به آبگوشت، یعنی غذای سنتی خانواده های اصیل ایرانی!)

و ناگفته نیز از این نکته نگذریم که مقصر اصلی در این میان، خود دولت علیه است که نقش عمده را در گران کردن همه چیز دارد و ملت شریف هم به مصداق (الناس علی دین ملوکهم) چیزی از دولت خدمتگزار کم نمی آورند. از قدیم هم گفته اند: خداوند نجار نیست اما در و تخته را خوب به هم جور می کند.

### پاپ و شعر نو

ما امیدوار بودیم و انتظار داشتیم که با گسترش وسیع حوزه موسیقی و با انبوه هنرجویانی که در این سالها چه در کلاس های خصوصی و چه در هنرستان ها، فارغ التحصیل شده و به میدان آمده اند، دیگر در این بهار هنر، صدها گل خواهد شکفت و آثاری بس اثرگذار و ماندگار از خود به یادگار خواهند گذاشت، اما آثار ارائه شده به نسبت جمعیت موسیقی دان بسیار اندک بود.

در یکی دو سال اوائل تغییر رژیم، دو مسأله مدنظر قرار گرفت: ۱- شعر نو ۲- موسیقی جاز (پاپ).

این هر دو را تا مدتی متوقف کردند بدین معنی که چاپ شعر نو در روزنامه ها و مجلات تقریباً تحریم و ممنوع شد و همین طور هم موسیقی مدرن - پاپ - از رسانه ها، ولی دو سالی بیشتر نگذشت که به قول شادروان قوام السلطنه: «کشتیان را سیاستی دگر آمد!»

شعر نو از زیر بته های فراموشی سر در آورد و حضرات پس از تجلیدی قوا مشغول تاخت و تاز به شکل سابق و حتی شدیدتر شدند که این نهضت تاکنون ادامه دارد و خواهد داشت، اما موسیقی پاپ با غیبتی تقریباً ده پانزده ساله مجدداً گردن کشید و آرام آرام یورش خود را از سر گرفت و تا اواخر سال ۸۳ به اوج اعلای خود رسید و شلنگ تخته و شلتاق آغاز شد و در یک کلام: «کاسه همان کاسه گشت و آش، همان آش!»

### دور و تسلسل

بله، متولیان پنهان موسیقی، طبق فرامین خاصی که دریافت می کنند، گاهی تقدم را به موسیقی سنتی می دهند (پاپ) را عقب می زنند و گاهی هم برعکس ... و این دور و تسلسل همچنان ادامه دارد و خواهد داشت. ما تا به حال نمی دانستیم که برای موسیقی بیچاره هم شورای سیاستگذاری تشکیل گردد، اما گردید! و همه می دانیم که دخالت سیاست در هنر، به کلی آن را از ارزش می اندازد.

آقا، هنر که سفارشی و دستوری نیست. انگیزه هنرمند در خلق آثار هنری، احساسات درونی و زیباشناختی است، آزادی و ابتکار را از او سلب نکنید.

### شلتاق رسانه ها

تعدد و تکثر رسانه ها - رادیو و تلویزیون - در عصر ما موجب دردها و سردرگمی های شده است. یاد آن روزها خوش که در ایران فقط یک فرستنده به نام رادیو تهران - ایران - داشتیم.

ادامه دارد